

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

◇ یادداشت سردیر

زمانی که مک‌لوهان این ادعا را مطرح ساخت که "رسانه پیام است"، چندان در سیاست‌گذاریها و برنامه‌ریزیهای ارتباطی جدی گرفته نشد. اما امروزه با گذشت زمان، پیوسته صحت ادعای وی آشکارتر می‌شود. رسانه - به معنای وسیع کلمه - نه تنها قادر است پیام ویژه خود را انتقال دهد، یعنی ویژگیهای خود را بر نفس پیام تحمیل کند، بلکه توانایی انتقال پیامهایی را دارد که برای نظارت بر آنها یا مهار کردن آنها دم به دم سیاستهای تازه‌ای ضرورت می‌یابد.

درباره وجه نخست تعبیر از بیان مک‌لوهان، یعنی اینکه هر رسانه‌ای پیام خاص خود را دارد بسیار سخن رفته است. اینکه کتاب، مطبوعات، رادیو، و تلویزیون هر یک چه تواناییهایی دارد و مناسب انتقال چه پیامهایی است و برای اطمینان از حداکثر تأثیر پیام باید کدام رسانه را با توجه به اهداف و مخاطبان به کار گرفت، و اینکه چگونه رسانه مناسب قادر به انتقال درست پیام و رسانه نامناسب قادر به مخدوش ساختن پیام است و مطالبی از این نوع، بحثهای فراوانی در حوزه ارتباطات می‌توان یافت. اما به وجه دوم نقطه نظر مک‌لوهان کمتر عنایت شده است و حال آنکه تکنولوژی ارتباطی و اطلاع‌رسانی امروز از جمله مصادیق روشن آن نقطه نظر است؛ و آن قدرت رسانه‌ها در ایجاد قابلیت انتقال پیامهایی است که ماهیتاً نظارت و سیاست‌گذاری ویژه‌ای می‌طلبد، و از سوی دیگر تو به نو شدن این تکنولوژیها مجالی برای سیاست‌گذاریها و نظارتهای مبتنی بر مطالعه و بررسی دقیق و عمیق را باقی نمی‌گذارد.

به‌طور مثال، در جامعه ارتباطی و اطلاعاتی خودمان می‌توان آثار توانمندی برخی رسانه‌ها و دشواری نظارت و مهار کردن عملکرد آنها را دریافت و دنبال کرد. در سالهای اخیر، سه رسانه نوین در فاصله کوتاهی در جامعه ما نفوذ کرد و گسترش یافت که فاصله آنها از یکدیگر چندان زیاد نبوده است. این سه عبارتند از ویدئو، ماهواره، و اینترنت. سیری گذرا در مواجهه جامعه و مدیریت جامعه با این پدیده‌ها واقعیهایی را از توانمندی این رسانه‌ها نشان می‌دهد. زمانی که

ویدئو و دستگاههای ضبط و پخش آنها در میان افشار مختلف پراکنده شد، مدیریت جامعه با توجه به عوارض جانبی منفی آن به یک سلسله اقدامات مقطعی و موردی دست زد و واکنشهای موافق و مخالف را برانگیخت، اما سرانجام به دلایلی ترجیح داد که به جای تحریم مطلق آن، به جایگزین سازی و مقابله به مثل بپردازد. نتیجه آن شد که از این صنعت برای ضبط و انتقال و مبادله پیامهایی استفاده شود که از نظر مدیریت جامعه قابل قبول یا قابل تحمل تلقی می شد. گشوده شدن فروشگاههای خاص عناصر فرهنگی، و مشخصاً نوارخانه های مجاز، از جمله گامهایی بود که در زمینه صنعت ویدئو و به خدمت گرفتن این رسانه برداشته شد. بدیهی است که این حرکت هرگز منجر به حذف نوارهایی که در آغاز به سبب حضور همانها واکنشهای شدید در مقابل دارندگان دستگاه و نوار ویدئویی می شد نگردید. در واقع، استفاده یا عدم استفاده از نوارهای غیرمجاز به اخلاق دینی و اجتماعی خود مردم واگذاشته شد.

هنوز مرگب تصمیم درباره ویدئو خشک نشده بود که پدیده دیگری ظهور کرد و به سرعت گسترش یافت و آن استفاده از ماهواره بود. با ورود ماهواره، بحث مربوط به ویدئو از تب و تاب افتاد و سخن درباره عوارض رسانه جدید و تکنولوژی نوین مطرح گردید. این رسانه چندین ویژگی داشت که در رسانه قبلی نبود؛ از جمله اینکه بر خلاف ویدئو، مرزی برای ورود آن تعیین نشده بود که بتوان آن را هنگام ورود بازشناخت و ضبط کرد، بلکه داشتن آن سبب می شد که بتوان مستقیماً از فرستنده های سراسر جهان استفاده کرد. آنتن های بشقابی تنها جلوه بیرونی آن بود که امکان داشت مهار یا منع شود. کار به مجلس کشید، و گرچه آراء موافق و مخالف با تحریم آن در مجلس بسیار به هم نزدیک بود، لیکن طبق مصوبه مجلس داشتن و خرید و فروش تجهیزات ماهواره ای قانوناً منع گردید.

پیش از آنکه بحث ماهواره از رونق بیفتد، پدیده نوین دیگری وارد عرصه اجتماعی ما شد و آن شبکه جهانی اینترنت بود. این رسانه بسیار خصوصی تر می نمود و جلوه ای بیرونی از نوع آنتن ماهواره نداشت. کامپیوتر، مودم، و خط مخابراتی تنها شرایط لازم بود که داشتن هیچ یک را نیز قانون منع نکرده است. اتصال به شبکه نیز از طریق مراکز میانجی که در کشور حضور قانونی دارند و عمل غیرقانونی، غیرشرعی، و غیرعرفی نیز انجام نمی دهند امکان پذیر است. این رسانه نه ویدئو است که چندین عامل و کارگزار بر سر راه دستیابی به آن قرار گرفته باشند و نه ماهواره است که بتوان تنها به ایستگاهها و فرستنده های مجاز و شناخته شده بین المللی دست یافت. پدیده اخیر قادر است به خصوصی ترین پایگاهها و داده ها در اقصی نقاط دنیا دست یابد، و حتی از طریق آن می توان پیامهای خصوصی سازنده یا مخرب را نیز از فواصل دور میان اشخاص رد و بدل کرد.

پدیده اینترنت به مراتب هراسناکتر از موارد پیشین است. قابلیت این رسانه نگرانی بسیاری را

در مقیاس بین‌المللی برانگیخته است. محققان و اندیشمندان جوامع غربی از یک سو و دولتمردان کشورهای در حال توسعه از سوی دیگر، هر یک به گونه‌ای از آینده این پدیده و پیامدهای آن بیمناکند. برنامه‌ها و پیشنهادهایی نیز برای مقابله با آن ارائه کرده‌اند که بعضی قابل اجراست و برخی تنها در حد طرح مسئله ارزشمند است.

این هر سه نمونه‌ای که به آنها اشاره شد - ویدئو، ماهواره، و اینترنت - رسانه‌هایی هستند که ویژگیهایشان جزو ذات آنهاست. دستگاه ویدئو این قابلیت را دارد که بتوان با آن فیلمهای وقیح را تماشا کرد. پدید آوردن نوارهای ویدئویی مجاز و سالم نفی ماهیت و تواناییهای این رسانه را نمی‌کند. دستیابی به ایستگاههای فرستنده دور دست جزو ماهیت رسانه و تکنولوژی ماهواره‌ای است. با توجه به اینکه آنتن‌های ماهواره‌ای روز به روز کوچکتر و دقیقتر می‌شود و نوید ساختن تلویزیونهایی که تکنولوژی درونی آنها امکان استفاده از ایستگاههای ماهواره‌ای را فراهم می‌آورد و دیگر نیازی به آنتن بشقابی ندارد، همگی حاکی از آن است که قابلیت ذاتی ارتباط ماهواره‌ای انکارناپذیر است و حتی تلاش برای به فضا فرستادن ماهواره ملی نیز منعی برای استفاده از ایستگاههای بین‌المللی پدید نمی‌آورد.

در زمینه اینترنت نیز مقید ساختن مراکز میانجی، یا افزایش هزینه‌های اشتراک یا مخابرات تنها محدودکننده تعداد مخاطبان است، ولی تواناییهای ذاتی این رسانه را نفی نمی‌کند.

آنچه از طریق این رسانه‌ها قابل انتقال و مبادله است تنها به دلیل ویژگیهای ماهوی این رسانه‌هاست. بدون حضور این رسانه‌ها حتی تصور این نوع ارتباطات نیز به ذهن خطور نمی‌کرد. بنابراین، آنچه در این زمینه حائز اهمیت است چگونگی مهار رسانه‌هاست. آیا می‌توان بدناف این رسانه‌ها را برید و عطای آنها را به لقایشان بخشید؟ اگر امکان چنین بریدنی هم باشد، آیا در ازاء آن چه مزایایی را از دست خواهیم داد؟ این تکنولوژیها تیغ دو دم است: هم می‌توان دوست را سر برید و هم دشمن را. با "کارد" قتل‌های فراوان صورت گرفته است، اما آیا هیچ سیاستی به این نتیجه رسیده است که باید "کارد" را از حوزه وسایل خانگی حذف کرد؛ هر چند که بریدن ویژگی ذاتی "کارد" است؟

بسیاری از کشورها در این زمینه به طراحان نوعی سیاست ملی قائلند. اما اینکه این سیاستها باید چگونه باشد و سیاستگذاران مقبول کیانند؛ و اگر سیاست ملی راه مطلوبی است مواد و شرایط آن چه باید باشد؛ و هرگاه مواد و شرایط آن مدون شد چگونه باید آن را به اجرا در آورد و کارگزاران اجرایی آنها چه کسانی می‌توانند باشند، همه و همه مسائلی است که مطالعات عمیق، گسترده، و جدی می‌طلبد؛ و البته بیم هم آن نیز هست که به محض آنکه درباره آن به نتیجه‌ای نسبی نزدیک شدیم پدیده نوظهور دیگری وارد عرصه شود و بحث و سخنها را به خود بخواند.

عباس حُرّی